

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture Vol. No. 02, Dec 2015, pp 115-136	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 02 فصلنامه دسامبر 2015 میلادی، صص 115-136
---	---

A Structural Study of Homogeneous Myths of "Rostam and Sohrab" with "Leejing & Lee no ja" from China

* Mohammad Ebrahim Irajpour
** Fereshteh Mahjoub

Structuralism is the careful study of a work and the discovery of the framework dominating it, whose purpose is to find the units of a work and to detect the relationship between them. Structuralisms believe that all phenomenon and event in the world are of the same structures and on this basis they try to study these structures and their constituents and the relation of these parts with one another. In literature, structuralism is the investigation into the structures of literary works and the recognition of different types of them. This study will be concerned with literature in general, a literary genre and a literary work as of thought and insights have had tremendous effect on the residents of these regions.

Among these myths which have been mentioned in Ferdosi's Shahname is the story of "Rostam and Sohrab" that resembles the story of "lee jing" the Chinese hero and his son "lee no ja" in Feng shea Yeni's Shahname.

In both fictions the father faces the son in the battle field, and while they don't know each other, this happens for three times.

In Ferdosi's skillful narration of this story, we find some clues saying that he has been aware of the same myths in China.

This study will search for the components, of the two stories: "Rostam and Sohrab" mythical context of the Chinese legend is more ethereal as if the battle between these two heroes is a battle of gods. Never the less, both fictions consist of six consecutive dynasties each of which is divided into several balances and theorems. The plot of both fiction is adjusted on the basis of a timeframe.

Key words: "Rostam and Sohrab", "Lee jing and Lee no ja", Shahnameh, Feng shen yeni, Iran, China

خوانش ساختاری اسطوره های همسان رستم و سهراب بالی - جینگ و لی نو - جا از چین

* محمد ابراهیم ایرج پور

** فرشته محبوب

چکیده

ساختارگرایی، مطالعه دقیق يك اثر و كشف چارچوب حاکم بر آن است که هدف از آن، یافتن واحدهای يك اثر و كشف ارتباط بین آن ها است. ساختار گرایان تمام پدیده ها و رخداد های عالم را دارای ساختار های مشخص می دانند و بر همین اساس به بررسی این ساختار ها و اجزای تشکیل دهنده آن ها و ارتباط این اجزاء با یکدیگر می پردازند. در ادبیات ساختارگرایی عبارت از تحقیق در ساختار های آثار ادبی و شناخت انواع این آثار است. این تحقیق هم درباره ادبیات به عنوان یک کل و هم یک نوع ادبی و سرانجام یک اثر ادبی می تواند باشد.

اقوام سکایی روزگاری طولانی بر بخش عظیمی از آسیای میانه، از شرق ایران تا هند و مغولستان و قسمتی از روسیه و چین حاکم بوده اند و شیوه تفکر و بینش آنان تأثیری شگرف بر ساکنان این نواحی گذارده است. در زمره این اسطوره ها که در شاهنامه فاخر فردوسی نیز درج شده داستان رستم و سهراب است که با داستان لی - جینگ قهرمان چینی و پسرش لی نو - جا در شاهنامه فنگ - شن - ینی مشابهت بسیار دارد. در هر دو افسانه پدر و پسر در میدان رزم روبه روی هم قرار می گیرند و سه مرتبه متمادی بدون آنکه یکدیگر را بشناسند همورد می شوند. نیز در نقل ماهرانه این داستان از زبان فردوسی به اشاراتی ضمنی برمی خوریم که به نظر می رسد فردوسی از وجود اساطیر مشابه در چین اطلاع داشته است. پژوهش حاضر بر اساس الگوهای موجود ساختارگرایی به واکاوی عناصر متشکله هر یک از دو داستان رستم و سهراب و لی - جینگ و لی نو - جا خواهد پرداخت. حاصل این جستار آن است که بر خلاف آنکه داستان رستم و سهراب بیشتر غنایی و حماسی است، بافت اساطیر گونه افسانه چینی بسیار بیش از داستان ایرانی است و در آن نوعی سبک و سیاق فرا زمینی در کل حماسه غالب و گویا نبرد این دو قهرمان پیکار میان خدایان است. با این وجود هر دو داستان از شش سلسله متوالی تشکیل می شود که هریک به چندین تعادل و قضیه مشابه تقسیم می گردد و طرح هر دو نیز بر مبنای زمان گاهنامه ای تنظیم شده است.

کلیدواژه: رستم و سهراب، لی - جینگ و لی نو - جا، شاهنامه، فنگ - شن - ینی، ایران، چین

مقدمه:

در بخش بزرگی از شاهنامه نوعی آمیختگی میان افسانه های پهلوانی ایران و سکستان (سیستان) به چشم می خورد. فردوسی در حماسه بزرگ خود جایگاه ممتازی به اساطیر سکاها داده است اما به سبب محیط خاص زندگی و موقعیت جغرافیایی موطن وی و شرایط و نفوذهایی که او در زیر تأثیر آن ها کار خود را به انجام رسانید ممکن است که بخش عمده افسانه های پهلوانی سیستان از میان رفته باشد و احتمالاً این بخش از دست رفته بسیار قابل توجه بوده است زیرا اساطیر سکایی درباره رستم و خاندان او دارای طرح و مشخصات مخصوص به خود است و جای نمایی را در سلسله افسانه های جهان احراز می کند.

شاید برخی کسان با توجه به عظمت فرهنگی چین باستان تأثیر افسانه های چینی در افسانه های سکایی و ایرانی را بیشتر محتمل بدانند اما باید توجه داشت که سکاها در طول قرن ها بر سرزمین های آسیای میانه تسلط داشتند و بدون شک تأثیر عمیقی در شاهنشاهی های بزرگ چین و ایران و هند بر جای نهاده اند و چون افسانه های آن ها تا این اندازه بر افسانه های ایرانی تأثیر گذاشته است محتمل به نظر می رسد که اساطیر چین هم به طرز نامحسوسی از گنجینه های افسانه های سکایی بهره برداری کرده باشد. “لائوفر” در کتاب خود به نام “الماس” خاطر نشان کرده است که ادبیات عامیانه چین در برابر نفوذ بیگانگان بسیار تأثیر پذیر است. سپس بر این نکته تأکید می کند که فرهنگ و معتقدات چینیان نتیجه نفوذ های فرهنگی تعدادی از طوایف است که سکاها به سبب اهمیت و گستردگی حوزه تسلط خود بزرگترین آن ها به شمار می آیند. “پارکر” می نویسد: “شاهنشاه چین و شاهان فرمانبردار او در دوره های مختلف با شاهدگان طوایف چادر نشین رابطه خویشاوندی برقرار می کردند.” بدیهی است که چنین پیوندهایی به تبادل عقاید و افسانه ها کمک فراوان می کرد. سکاها با موقعیت جغرافیایی ویژه شان که در میان ایران و چین قرار داشت هم برای رواج افسانه های خود در این دو کشور و هم برای نقل و انتقال افسانه های این سرزمین ها به یکدیگر فرصت و امکانات بسیار مساعدی در اختیار داشتند. (دوستخواه، 1353: 2).

در زمره این افسانه ها، داستان روایی رستم و سهراب است که به افسانه مشابه دیگری در چین به نام لی - جینگ و لی نو - جا مانده است.

2. ساختارگرایی

مطالعه هنر ادبی با دو نوع مشکل همراه است. نخست مشکلاتی که به ماده اولیه آن که در تداول با نام های گفتار و کلمه مشخص می شود مربوط است. دوم مشکلاتی است که به اصول ساخت این هنر ربط پیدا می کند. (تودورف، 1385: 127)

ساختار گرایی نظریه ای است که شناخت پدیده ها را منوط به بررسی قواعد و الگوهایی می داند که ساختار بنیادی آن ها را به وجود آورده است. ساختار گرایان، تمام پدیده ها و رخداد های عالم را دارای ساختار های مشخص می دانند و بر همین اساس به بررسی ساختارها و اجزای تشکیل دهنده آنها و ارتباط این اجزا با یکدیگر می پردازند. در ادبیات، ساختار گرایی عبارت از تحقیق در ساختار های آثار ادبی و شناخت انواع این آثار است. این تحقیق هم درباره ادبیات به عنوان یک کل و هم یک نوع ادبی و سرانجام یک اثر ادبی می تواند باشد. در حقیقت کار ساختار گرایی، تجزیه ادبیات، تفکیک آثار و انواع ادبی از یکدیگر و تجزیه یک اثر ادبی به اجزای متشکله آن است.

3. گذری بر داستان رستم و سهراب و لی - جینگ و لی - نو - جا

یکی از انواع ادبی که در مکتب ساختار گرایی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد، داستان است. داستان “نقل رشته ای از حوادث است که بر حسب توالی زمان ترتیب یافته باشد.” (فورستر، 1384: 118) به عبارت دیگر داستان “در برگزیده نمایش کشمکش است میان دو نیروی متضاد و یک هدف” (میر صادقی، 1376: 32). داستان دارای اجزا و عناصری است که در تحلیل های ساختاری، این عناصر تجزیه و تحلیل و روابط آنها، با یکدیگر و با کل داستان سنجیده می شود.

داستان رستم و سهراب به لحاظ طرح از خوش فرم ترین و بهترین نمونه های داستانی شاهنامه است که قابل تطبیق با الگوهای ساختارگرایی است. این داستان به شرح حال عشقی زمینی میان رستم، جهان پهلوان ایران با تهمینه دختر شاه سمنگان می پردازد که حاصل آن زاده شدن کودکی به نام سهراب است. کودک همچون پدر دارای رشدی خارق العاده است و هیچ کس را یارای درآویختن با او نیست. او پس از بالیده شدن نشان پدر را از مادر می گیرد. سپس برای یافتن رستم و به تخت نشاندن وی به همراه سپاهبانی که افراسیاب شاه توران به همراه او گسیل کرده و مأموریت دارند مانع شناختن این پدر و پسر شوند به سمت ایران می تازد در حالی که بازوبندی را که پدر به هنگام وداع مادر و پیش از زاده شدن سهراب به تهمینه سپرده به همراه دارد.

سهراب در میان راه ورود به ایران شیفته گردآفرید دختر گزدهم، فرمانده دژ مرزی سپید می شود اما به کام نمی رسد. سپس به ایران می آید و در سه نوبت با پدر به رزم می پردازد بدون آنکه او را بشناسد. در واپسین رزم رستم با حيله ای بر پسر فائق می شود سپس او را می کشد و پیش از مرگ از اسم و رسم پسر آگاه می شود و بدون آنکه بتواند اشتباه بزرگ خود را جبران کند فرزند خود را از دست می دهد.

در افسانه چینی مندرج در شاهنامه فنگ شن ینی که از بزرگ ترین منظومه های حماسی چین باستان است، لی جینگ قهرمان همتای رستم در شاهنامه، از همسر آسمانی خود “ مروارید هوشیار “ صاحب پسری به نام لی نو جا می شود. نوزاد با بازوبند معجزه آسایی با نام “ افق آسمان و زمین “ به دنیا می آید. این بازوبند به منزله سلاحی است که در جنگ های گوناگون از نو جا محافظت می کند. فرزند نوزاده رشدی خارق العاده دارد و در هفت سالگی صاحب قامتی به بلندی 180 سانتی متر است و پهلوانی نامدار است.

لی نو جا در مسیر یافتن پدر شیفته زنی به نام دنگ - جان - یو دختر دنگ گین گونگ فرمانده دژ سان شان گوان می شود. دختر زمانی که پدرش بر اثر زخمی که در ناحیه کتف وارد شده از پای می افتد به کمک او می شتابد و باعث عقب نشینی سه تن از بهترین جنگاوران نو جا می شود. نوجا شیفته او می شود. دختر به داخل دژ می گریزد و سرانجام به دلیل خیانت گرفتار نو جا می شود.

نو جا در نبرد با پدر سه بار با او رو به رو می شود. بار سوم پدر بر او غالب می شود و پس از این ضربه است که هویت او آشکار می شود اما توسط پارسایان دائوگرا درمان می شود و پس از آن به دلیل مقام الهی خود که او را نامیرا کرده است غالب دلاوری های پدر را او به سرانجام می رساند. (رمضان ماهی، 1390: 21)

4. تحلیل ساختاری داستان رستم و سهراب با افسانه لی - جینگ و لی نو - جا

پیرنگ خط ارتباط منطقی بین حوادث را ایجاد می کند (میر صادقی ، 1362 : 152) چنانکه به اعتقاد ارسطو طرح باید از کلیتی برخوردار باشد و اجزا طوری با کل درهم آمیخته باشد که با حذف عنصری از کل، شیرازه آن از هم بپاشد. به عبارت دیگر طرح داستان ، نقل حوادث است با تکیه بر موجبیت و روابط علت و معلول (فورستر، 118:1384) و یا طرح عبارت است از نقشه ، نظم ، الگو و نمایی از حوادث . به گفته هنری جیمز “ زندگی همه تداخل و درهم ریختگی و آشوب است. هنر همه تمایز، بازشناسی و گزینش (آلوت، 119:1386) بنابراین طرح باعث می شود که خواننده با کنجکاوی و اشتیاق به تعقیب حوادث داستان بپردازد و در پی کشف علت وقوع آن ها برآید.

اولین بار شکل گرایان روس دو سویه روایت را از یکدیگر متمایز ساخته و روایت را متشکل از دو سطح “داستان” و “پیرنگ” دانستند. از نظر آنان داستان رشته ای از رخدادها است که براساس توالی زمانی و علی به هم می پیوندند و پیرنگ بازآیی هنری رخدادها در متن است. (اخوت، 25:1371) ژرار ژنت این تمایز را بسط داده و روایت را به سه سطح مجزای داستان (histoire) ، گزارش (recit) و روایت (narration) تقسیم می کند. به عقیده وی گزارش نظم رخدادها در متن است و مفهومی چون طرح در آثار فرمالیست های روسی دارد. داستان نظم نهایی رخدادها در جهان بیرون متن است و روایت نحوه ارائه گزارش است. (احمدی ، 315:1385) و نیز (اسکولز، 72:1379)

با این توضیح، حوادث داستان براساس زمان گاهنامه ای تنظیم می شود ولی در طرح ممکن است زمان گاهنامه ای به هم بخورد و راوی از انتهای داستان به روایت حوادث بپردازد که این نحوه روایت به «پیش بینی» موسوم است. (ایگلتن، 145:1380) بر هم خوردن نظم زمانی در طرح داستان اغلب، خاص نوشتار های داستانی امروزی است و بیشتر کتاب های داستانی گذشته بر مبنای نظم سازمان دهی شده اند که می توان آنرا به نظم زمانی و منطقی تعبیر کرد. یعنی در بیشتر داستان های گذشته، هم داستان و هم طرح آن براساس زمان گاهنامه ای تنظیم شده است. (فروزنده، 67:1387)

از آنجا که فردوسی در این داستان به شرح وقایع اصلی می پردازد توالی و ترتیب حوادث را رعایت می کند و آنها را سلسله وار و پی در پی روایت می کند، طرح داستان مذکور گاهنامه ای است.

5. طرح داستان

تزوتان تودورف معتقد است: کلیه قواعد نحوی زبان، در هیئتی روایتی بازگو می شوند. او واحد کمینه روایت را قضیه (proposition) می داند و پس از تعیین واحد کمینه (قضیه)، دو سطح عالی تر آراء خود را نیز توصیف می کند «سلسله¹ (sequence) و متن. به اعتقاد وی گروهی از قضایا سلسله را به وجود می آورند و سلسله پایه ای از پنج قضیه تشکیل می شود که ناظر بر توصیف وضعیت معینی است که در هم ریخته و دوباره به شکلی تغییر یافته سامان گرفته است. لذا این قضیه را می توان به شرح زیر مشخص کرد:

تعالد¹ «مثلاً صلح.

قهر¹ «هجوم دشمن.

از میان رفتن تعادل، جنگ.

قهر² «دشمن شکست می خورد.

تعالد² «صلح و شرایط جدید. (سلدن، 1372: 110-111)

مطابق با نظریه تودورف: داستان رستم و سهراب از 6 سلسله متوالی تشکیل می شود:

سلسله 1: اولین سلسله داستان مشتمل بر قضایای زیر است:

تعالد آغازین: رستم به دنبال یافتن اسب گمشده خود رخس وارد شهر مرزی سمنگان می شود

1. اصطلاح (sequence) را عباس مخبر «سلسله» و بابک احمدی «پی رفت» ترجمه کرده است.

- در بارگاه با استقبال شاه و درباریان مواجه می شود

(قهر 1): نیمه شب تهمنه، تنها دختر شاه سمنگان بر بالین وی حاضر می شود

- از علاقه دیرین خود به رستم و همسری وی سخن می گوید

تعادل نهایی: رستم تهمنه را از پدرش خواستگاری می کند و با او ازدواج می کند

به گفته کلود برمون هر سلسله “پی رفت” آغازین در گسترش خود پی رفتی تازه می آفریند که خود آغاز گاه پی رفتی دیگر است و این فرارشد ادامه می یابد تا به آخرین پی رفت برسیم که حالت پایدار به دست آید. (احمدی، 1385: 167) بنابراین سلسله دوم شکل می گیرد:

سلسله 2: مشتمل بر قضایای زیر است :

تعادل آغازین : رستم پس از مدتی آهنگ بازگشت به ایران را می کند.

(قهر 1) به هنگام وداع درمی یابد همسرش باردار است

به همسرش مهره ای می دهد که چنانچه فرزندشان پسر است به بازوی او ببندد و اگر دختر باشد به گیسوانش متصل کند

تعادل نهایی: کودکی با مشخصات رستم به دنیا می آید و نامش را سهراب می نهند

در پایان حوادث سلسله نخست وضعیت متعادل برقرار می شود ولی باز هم این وضعیت یک امکان دگرگونی را در خود می پروراند زیرا مشکلی که پیش می آید مانع از ادامه وضعیت متعادل می شود.

سلسله 3 – مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: رستم تعدا به وسیله تهمنه از زاده شدن سهراب بی خبر می ماند

- سهراب بزرگ می شود اما از اقربان خود بالاتر و قوی تر است.

قهر 1: سهراب نشان پدر را از مادر می جوید

تعادل نهایی: تهمنه او را از هویت پدر آگاه می کند.

سلسله 4 : مشتمل بر قضایای زیر است :

تعادل آغازین: سهراب در صدد یافتن پدر برمی آید.

: تهمنه بازوبند یادگار رستم را به او می سپارد و برادرش را با او همراه می کند تا پدر را به او بشناساند

(قهر 1): افراسیاب شاه توران، سپاهی را همراه سهراب می فرستد و به آنان تأکید می کند مراقب آن

باشند تا سهراب پدرش را نشناسد

- سهراب در مسیر به دژ سپید می رسد و در آنجا با هجیر کوتوال قلعه رو به رو می شود

- به هنگام زخمی شدن هجیر، دخترش گردآفرید در هیئتی مردانه به یاری پدر می شتابد.

- سهراب در حین نبرد با او از هویتش آگاه می شود و شیفته وی می گردد

- دختر با وعده ای دروغین سهراب را می فریبد و سرانجام به همراه ساکنان دژ می گریزد

تعادل نهایی: سهراب با قلعه خالی رو به رو می شود و خشمگین راهی ایران می شود

سلسله 5: مشتمل بر قضایای زیر است :

تعادل آغازین: کیکاووس شاه ایران به وسیله هجیر از ورود سهراب به ایران آگاه می شود - به گیو

فرمان می دهد رستم را از زابل برای رویارویی با دشمن فرا خواند

(قهر 1): رستم از حضور در میدان جنگ امتناع می کند اما سرانجام نبرد با سهراب را می پذیرد

- رستم که در مقابل اردوگاه سهراب خیمه برافراشته نیمه شب برای سرکشی سپاه دشمن وارد

اردوگاه سهراب می شود و با زنده رزم دایی سهراب روبه رو می شود

تعادل نهایی: رستم که زنده رزم را نشناخته او را می کشد و بدین ترتیب تنها شخصی که می تواند به

سهراب کمک کند تا هویت پدر را بشناسد از میان می رود

سلسله 6: مشتمل بر قضایای زیر است :

تعادل آغازین: علیرغم اصرار سهراب مبنی بر دوری از نبرد، او و رستم سه بار به نبرد می

پردازند

(قهر 1): بار نخست سهراب بر پدر غالب می شود اما رستم با حیله از چنگ او رها می شود. (قهر 2):

در نوبت دوم رستم بر سهراب دست می یابد و خنجری بر پهلوی او فرو می کند

- سهراب به رستم می گوید چنانچه پدرش از مرگ وی مطلع شود انتقام او را خواهد گرفت

- هویت سهراب به وسیله بازوبند یادگار پدر، بر رستم مکشوف می شود

- رستم نزد کاووس می شتابد و برای درمان فرزند از او طلب نوشدارو می کند

تعادل نهایی: کاووس از دادن نوشدارو امتناع می کند و سهراب جان می سپارد

از اینجا به بعد به بخش پایانی یا “گره گشایی داستان” می رسیم و آن زمانی است که سهراب در آغوش پدر جان می سپارد. رستم گریبان می درد و بر آن است به عمر خود پایان دهد اما پهلوانان به دامنش می آویزند و به او خاطر نشان می کنند که تنها خداوند است که نامیرا است و مرگ همه را درخواهدیافت.

بر اساس این الگو، افسانه چینی نو - جا و لی - جینگ نیز از شش سلسله متوالی تشکیل می شود

سلسله 1: اولین سلسله داستان مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: لی جینگ جهان پهلوان چین پنهانی شیفته بانویی آسمانی به نام مروارید هوشیار می شود

(قهر 1): لی جینگ در پی اجرای فرامین “جو” شاهنشاه چین از محبوب خود جدا می شود

- لی جینگ به هنگام جدایی درمی یابد همسرش باردار است

تعادل نهایی: از «مروارید هوشیار» می خواهد خبر زاده شدن فرزند را به او بدهد. سپس به دنبال

اجرای فرامین شاهنشاه می رود

سپس سلسله دوم شکل می گیرد:

سلسله 2: مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: از وصلت لی جینگ و مروارید هوشیار پسری خارق العاده به نام لی نو جا زاده می شود

(قهر 1): این پسر بازوبندی آسمانی به نام “افق آسمان و زمین” بر بازو دارد

- بازوبند تاثیری معجزه آسا دارد و نو جا را همه جا یاری می دهد

تعادل نهایی: “مروارید هوشیار” خبر زاده شدن پسر را از لی جینگ پنهان می کند

در پایان حوادث سلسله نخست وضعیت متعادل برقرار می شود ولی باز هم این وضعیت یک امکان دگرگونی را در خود می پروراند زیرا مشکلی که پیش می آید مانع از ادامه وضعیت متعادل می شود.

سلسله 3 - مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: نو - جا بزرگ می شود و در هفت سالگی قامتی به بلندی 180 سانتی متر دارد

- از همان زمان پهلوانی نامدار است که هیچ کس را یارای درآویختن با او نیست

(*قهر 1*): به دنبال نشانی از پدر می گردد

تعادل نهایی: پس از آگاهی از موقعیت او همراه با قشونی برای یافتن پدر رهسپار می شود

سلسله 4: مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: نو - جا در مسیر خود به دژ سان - شان - گوان می رسد

(*قهر 1*) دنگ - گین - گونگ فرمانده دژ به مقابله با او می شتابد

- نو جا زخمی بر کتف او وارد می کند

- دنگ - جان - یو به یاری پدر می شتابد و باعث عقب نشینی سه تن از بهترین فرماندهان لشکر می

شود.

- نو جا شیفته مهارت و جنگاوری دختر می شود اما دختر به درون قلعه می گریزد

تعادل نهایی: بر اثر یک خیانت درهای دژ گشوده می شود و دختر دلاور گرفتار نوجا می شود

سلسله 5: مشتمل بر قضایای زیر است:

تعادل آغازین: لی جینگ و نو جا برای نبرد رودرروی یکدیگر قرار می گیرند

(*قهر 1*): تلاش نو جا برای منصرف کردن پدر از جنگ بی ثمر می ماند

(*قهر 2*): نو جا با لی جینگ سه مرتبه به نبرد می پردازد

- دو بار نخست پسر بر پدر چیره می شود

تعادل نهایی: در سومین مرتبه لی جینگ ضربه سهمگینی به فرزند وارد می آورد

سلسله 6: مشتمل بر قضایای زیر است :

تعادل آغازین: نو جا به لی جینگ هشدار می دهد که انتقام این ضربه کشنده گرفته خواهد شد

(*قهر 1*): پدر به واسطه بازوبند “ افق آسمان و زمین “ از هویت فرزند مطلع می شود

(*قهر 2*): برای بهبود فرزند به پارسایان دائوگرا متوسل می شود

- نو جا به وسیله پارسایان و به دلیل نامیرائی خود بهبود می یابد

تعادل نهایی: نو جا به مقام خدایی دست می یابد و دست به حماسه های بزرگی چون کشتن شاه ازدها فش آب ها و هفت دیو منی - شان می زند

- لی جینگ به اوج قدرت و شهرت می رسد و نگهبان دروازه بهشت می شود

کلود برمون معتقد است : در طرح هر داستان ، پی رفت ها یا به عبارت بهتر روایت هایی فرعی وجود دارد. هر پی رفت داستانی کوچک است و هر داستان پی رفتی کلی یا اصلی. برمون پی رفت را عنصر اصلی ساختار روایی می داند. قاعده سه گانه هر پی رفت بر سه پایه استوار است:

وضعیتی که امکان دگرگونی را در خود دارد. حادثه یا دگرگونی ای که رخ می دهد.

وضعیتی که محصول تحقق یا عدم تحقق آن امکان است. (احمدی ، 1385:166)

به این ترتیب شش پی رفت در داستان رستم و سهراب به چشم می خورد:

پی رفت 1

پایه 1: رستم به دنبال یافتن اسب خود وارد شهر مرزی میان ایران و توران یعنی سمنگان می شود

پایه 2: تهمینه تنها دختر شاه سمنگان رستم را از شیفتگی قدیم خود می آگاهاند

پایه 3: رستم با تهمینه ازدواج می کند

پی رفت 2

پایه 1: رستم پس از مدتی آهنگ بازگشت به ایران می کند

پایه 2: زمانی درمی یابد همسرش باردار است مهره ای به نشانه پدر برای فرزند نزد تهمینه می گذارد

پایه 3: از تهمینه پسری سهراب نام زاده می شود اما تولدش از رستم مخفی می ماند

پی رفت 3

پایه 1: سهراب از همسن و سالان خود قوی تر و شگفت انگیزتر است

پایه 2: پس از مدتی نشان پدر را از مادر می جوید

پایه 3: سهراب از هویت پدرآگاه می شود و به جستجوی او برمی آید

پی رفت 4

پایه 1: سهراب به همراه سپاه افراسیاب و بازوبند نشان پدر به سمت ایران می تازد

پایه 2: در مسیر خود به دژ سپید می رسد و با هجیر فرمانده قلعه می جنگد

پایه 3: در حین جنگ عاشق گردآفرید دختر هجیر می شود شششکه با هیئتی مردانه به میدان جنگ آمده اما دختر با نیرنگ از چنگ او می گریزد و با سایر ساکنان قلعه به سمت ایران می تازد

پی رفت 5

پایه 1: کاووس رستم را برای مقابله با سهراب از زابل فرامی خواند

پایه 2: رستم در مقابل سهراب خیمه می زند

پایه 3: تصادفاً برادر تهمینه که تنها کسی است که می تواند رستم را به سهراب بشناساند توسط رستم کشته می شود

پی رفت 6

پایه 1: سهراب در سه نوبت با پدر می جنگد و آخرالامر رستم با حيله ای بر او فائق می شود

پایه 2: رستم با مشاهده بازوبند سهراب از هویت او آگاه می شود و برای گرفتن نوشدارو نزد کاووس می رود

رود

پایه 3: کیکاووس از دادن نوشدارو امتناع می کند و سهراب در آغوش پدر جان می سپارد

بر این اساس افسانه حماسی نو - جا و لی - جینگ نیز در پی رفت های زیر جای می گیرند:

پی رفت 1

پایه 1 : لی جینگ جهان پهلوان چین، شیفته بانویی آسمانی به نام مروارید هوشیار می شود

پایه 2: لی جینگ برای اجرای فرمان های « جو » شاهنشاه چین از محبوب خود جدا می شود

پایه 3: به هنگام وداع درمی یابد همسرش باردار است

پی رفت 2

پایه 1 : مروارید هوشیار پسری نامیرا به نام لی نو جا به دنیا می آورد

پایه 2 : پسر به همراه بازوبندی با نام « افق آسمان و زمین » که از او در برابر مخاطرات محافظت می کند زاده می شود

پایه 3: مروارید هوشیار خبر زاده شدن پسر را از لی جینگ پنهان می کند

پی رفت 3

پایه 1 : نو جا در کودکی تبدیل به قهرمانی بی همانند می شود و قامتی به بلندی 180 سانتی متر دارد

پایه 2 : از مادر نشان پدر را می جوید

پایه 3 : پس از آگاهی از موقعیت پدر رهسپار یافتن او می شود

پی رفت 4

پایه 1 : نو جا در مسیر خود به دژ سان - شان - گوان می رسد

پایه 2: به هنگام نبرد با فرمانده قلعه دختر او به یاری پدر می شتابد و نو جا را شیفته خود می کند

پایه 3 : دختر به درون قلعه می گریزد اما بر اثر خیانت درهای دژ گشوده و او گرفتار نو جا می شود

پی رفت 5

پایه 1 : لی جینگ و نو جا سه مرتبه با یکدیگر به نبرد می پردازند

پایه 2 : دو بار نخست پسر پیروز می شود

پایه 3 : در سومین مرتبه لی جینگ ضربه سهمگینی به فرزند وارد می آورد

پی رفت 6

پایه 1: پدر به واسطه بازوبند « افق آسمان و زمین » از هویت فرزند مطلع می شود

پایه 2: لی جینگ برای بهبود فرزند به پارسایان دائوگرا متوسل می شود و نو جا بهبود می یابد

پایه 3: نوجا به مقام خدایی دست می یابد و لی جینگ نگهبان دروازه بهشت می شود

ولا دیمیر پروپ، سی و یک نقش ویژه و هفت حوزه عملیات برای نقش های قصه در قصه ها در نظر گرفته بود. گرماس روایت شناسی را بر پایه ریخت شناسی حکایت پروپ استوار کرده است. او به جای هفت حوزه عمل پروپ سه جفت تقابل دو تایی را پیشنهاد می کند که هر شش نقش یا کنشگر (actant) مورد نظر او را شامل می شود. این شش نقش عبارتند از:

شناسنده / موضوع شناسایی فرستنده / گیرنده کمک کننده / مخالف

(سلدن، 108:1372) و نیز (احمدی ، 163:1385) بر طبق الگوی یاد شده می توان داستان رستم و سهراب را در دسته بندی زیر ارائه داد:

تهمینه (شناسنده) / جنگ پدر و پسر (موضوع شناسایی)

سهراب (فرستنده) / رستم (گیرنده) زنده رزم (کمک کننده) / افراسیاب (مخالف)

گیو کیکاووس

گردآفرید سپاه توران هجیر

بر این اساس حماسه لی - جینگ و نو - جا نیز در قالب زیر چنین ترسیم می شود:

مروارید هوشیار (شناسنده) / جنگ پدر و فرزند (موضوع شناسایی)

نو - جا (فرستنده) / لی - جینگ (گیرنده)

پارسایان دائوگرا (کمک کننده) / جو، شاه چین (مخالف) دنگ

- جان - یو / شاه ازدها فش آب ها

دنگ - گین - گونگ / هفت دیو متی - شان

علاوه بر الگوها و نظریات مذکور، طرح دو حماسه مذکور را از نوعی دیگر نیز می توان بررسی کرد که در نوع خود قابل ذکر است: (ذوالفقاری، 1386: 55). نخست داستان رستم و سهراب:

وضعیت اولیه: رستم از تهمینه صاحب پسری به نام سهراب می شود اما از آن دو دور می شود

حادثه محرک: سهراب پس از مدتی نشان پدر را از مادر می جوید

گره افکنی: سهراب برای یافتن پدر رهسپار ایران می شود

اوج: رستم و سهراب بدون آنکه یکدیگر را بشناسند به نبرد می پردازند

وضعیت پایانی: در واپسین ضربه، رستم فرزند را می کشد اما پیش از مرگ از هویت وی آگاه می شود

با این الگو برای اسطوره چینی لی - جینگ و نو - جا وضعیتی چنین ترسیم می شود:

وضعیت اولیه: لی جینگ پهلوان چین از همسری خداگونه به نام مروارید هوشیار صاحب پسری می

شود اما از تولد او بی خبر می ماند

حادثه محرک: نو - جا که تبدیل به قهرمانی خارق العاده شده نشان پدر را می جوید

گره افکنی: بااستمداد از نیروی بازوبندی که مادرزاد بر بازو دارد به دنبال پدر می گردد

اوج: در سومین نبرد پدر به پسر ضربه مهلکی می زند اما او به وسیله پارسایان دائوگرا درمان می شود

وضعیت پایانی: لی جینگ نگهبان دروازه بهشت می شود و نو - جا به مقام خدایی دست می یابد

2. جدول دسته بندی حوادث و کنش های افسانه رستم و سهراب

کنش ها حوادث	وضعیت اولیه	حادثه محرک	گره افکنی	اوج	گره گشایی	وضعیت پایانی
1	ورود رستم به سمنگان برای یافتن رخس	استقبال شاه سمنگان ودرباریان از او	ورود تهمینه به خوابگاه رستم	اظهار علاقه دیرین تهمینه به رستم	تمایل رستم به ازدواج با تهمینه	وصلت رستم و تهمینه
2	زندگی رستم و تهمینه در بارگاه شاه سمنگان	بازگشت رستم به ایران	اطلاع از بارداری تهمینه	دادن رستم مهره ای را به تهمینه به نشان پدر	زاده شدن سهراب	نهان کردن خبر تولد سهراب از رستم

3	بی خبری سهراب از وجود پدر	تفاوت مشهود جسمانی سهراب با اقران	کنجکاو سهراب نسبت به نام و نشان پدر	اصرار سهراب به تهمینه برای شناختن پدر	آگاهی سهراب از نسبش	تصمیم سهراب مبنی بر یافتن پدر و به تخت نشاندن او
4	حرکت سهراب به سمت ایران به همراه زنده رزم	فرستادن افراسیاب سپاهی را به همراهی سهراب برای جلوگیری از آشنایی پدر و پسر	رسیدن سهراب به دژ سپید	حضور گردآفرید در هیئتی مردانه در میدان رزم برای کمک به پدر	شیفتگی سهراب نسبت به گردآفرید	فرار گردآفرید و پدرش هجیر از چنگ سهراب و تاختن به سمت ایران
5	آگاهی کیکاووس از حمله سهراب	احضار رستم از زابل برای رویارویی با سهراب	امتناع رستم از حضور در میدان جنگ	رویارویی سپاه ایران و توران	حضور نیم شب رستم در خیمه گاه دشمن برای جاسوسی	کشته شدن تصادفی زنده رزم به دست رستم به عنوان تنها شناساننده رستم به سهراب
6	رویارویی رستم و سهراب	اصرار رستم بر نبرد علیرغم تلاش سهراب مبنی بر منصرف کردن وی	تسلط سهراب بر رستم و استیصال رستم	غلبه رستم بر سهراب به حيله و کشتن او	آگاهی رستم از هویت سهراب با دیدن بازوبند	پرهیز کیکاووس از دادن نوشدارو و از دست رفتن سهراب

2. جدول دسته بندی حوادث و کنش های اسطوره لی - جینگ و نو - جا از چین

کنش ها حوادث	وضعیت اولیه	حادثه محرک	گره افکنی	اوج	گره گشایی	وضعیت پایانی
1	برخورد لی جینگ جهان پهلوان چین با بانویی خداگونه	شیفتگی لی جینگ به مروارید هوشیار	جدایی لی جینگ از مروارید هوشیار	آگاهی پهلوان از بارداری همسر خود	تأکید لی جینگ به همسر برای آگاه ساختن او از تولد فرزند	رهسپاری لی جینگ برای اجرای فرامین « جو » شاهنشاه چین
2	تولد فرزندی خارق العاده به نام نو جا	تولد فرزند به همراه بازوبندی به نام افق آسمان و زمین	پنهان ماندن خبر زاده شدن نو جا از پدر	تفاوت فاحش نو جا با همسالان خود	کنجکاوی نو جا نسبت به پدر و حضور وی	تصمیم نو جا برای یافتن لی جینگ
3	رسیدن نو جا به دژ سان - شان - گوان	مقابله دنگ - گین - گونگ فرمانده دژ با نو جا	زخمی شدن فرمانده دژ	دنگ - جان - یو دختر فرمانده دژ برای یاری پدر	شیفتگی نو جا نسبت به دنگ - جان - یو به دلیل مهارت وی در نبرد	گشوده شدن درهای دژ به دلیل خیانت و دستیابی نو جا به دنگ - جان - یو
4	رویارویی لی جانگ و نو جا	تلاش نو جا برای انصراف پدر از جنگ	اصرار لی جینگ بر نبرد	نبرد سه گانه میان لی جینگ و نو جا	تسلط پسر بر پدر در دو نبرد نخست	تسلط نهایی لی جینگ بر پسر و وارد آوردن ضربه سهمگینی به او
5	هشدار نو جا به لی جینگ مبنی بر اطلاع پدرش از سرنوشت او و گرفتن انتقام	مشاهده لی جینگ بازوبند افق زمین و آسمان را بر بازوی نو جا	اطلاع لی جینگ از هویت فرزند	متوسل شدن لی جینگ به پارسیان دائوگرا برای بهبود فرزند	نجات نو جا از مرگ	رسیدن لی جینگ به مقام نگهبانی دروازه بهشت و نو جا به مقام خدایی

شخصیت های داستان رستم و سهراب نیز به قرار زیر قابل دسته بندی هستند:

شخصیت های فرعی			شخصیت اصلی
شخصیت های خنثی	شخصیت های مثبت	شخصیت های منفی	رستم سهراب
گودرز طوس گسسته	تهمینه زنده رزم هجیر گیو گردآفرید	کیکاوس افراسیاب	

دسته بندی شخصیت های اسطوره چینی نو - جا و لی جینگ

شخصیت های فرعی			شخصیت اصلی
شخصیت های خنثی	شخصیت های مثبت	شخصیت های منفی	نو - جا لی جینگ
« جو » پادشاه چین	مروارید هوشیار دنگ - جان - یو دنگ - گین - گونگ پارسایان دائو گرا	شاه ازدها فش آب ها هفت دیو متی - شان	

نتیجه گیری:

با توجه به تجزیه و تحلیل داستان رستم و سهراب از ایران و افسانه لی - جینگ و نو - جا از چین بر اساس قواعد ساختارگرایی به مباحث عمده زیر می توان دست یافت:

1. اقوام سکاها به واسطه تسلط دیرپایی که بر آسیای میانه داشته اند تأثیر عمیقی بر نوع تفکر و بینش و افسانه های اقوام مختلف به جا نهاده اند. بااین وجود بافت اساطیر گونه افسانه چینی بسیار بیش از افسانه ایرانی است.

2. در نقل ماهرانه داستان رستم و سهراب از زبان فردوسی به اشاراتی ضمنی برمی خوریم که با توجه به آن ها به نظر می رسد فردوسی از وجود اساطیر مشابه در چین اطلاع داشته است. مثلا آنکه وی رستم را نواده سیندخت می داند و زمانی که سهراب نشانه های پدر را از هژیر می پرسد، هژیر نیز رستم را به چین نسبت می دهد.

3. بافت اساطیر گونه افسانه چینی بسیار بیش از داستان ایرانی است و در آن نوعی سبک و سیاق فرازمینی در کل حماسه غالب و گویا نبرد این دو قهرمان پیکار میان خدایان است.

4. دو اسطوره در کلیت کار بسیار به هم مانده هستند اما در جزئیات متفاوتند. مثلا بازوبندی که رستم به همسرش تهمینه می سپارد در افسانه چینی در همان بدو تولد و همراه با کودک زاده شده است و یا در داستان ایرانی، سهراب می میرد حال آنکه نو- جا درمان می شود و به مقام خدایی دست می یابد و پدرش نگهبان بهشت

می شود. هر دو داستان دارای صحنه ای عاشقانه است اما در داستان رستم و سهراب، گردآفرید از چنگ سهراب می گریزد و در افسانه چینی، نو - جا به دختر دسترسی می یابد.

5. بر اساس توالی و ترتیب حوادث مندرج در متن می توان دریافت طرح هر دو اسطوره بر مبنای نظم سازمان دهی شده که از آن می توان با تعبیر "زمان گاهنامه ای" یاد کرد.

6. هم داستان ایرانی و هم اسطوره چینی از شش سلسله متوالی تشکیل می شود که خود هر یک به چندین تعادل و قضیه تقسیم می گردد. این شش سلسله مانند حلقه های زنجیر در پی هم آمده اند. بنابراین از طرح دو اسطوره مذکور بر اساس سلسله های مستخرج وضعیتی چنین ترسیم می گردد.

تعادل ← برهم خوردن تعادل ← تعادل

7. هر دو اسطوره بیشتر عرصه کشمکش قهرمانان این داستان است. کشمکش های هر دو حماسه نیز بیشتر از نوع کشمکش های جسمانی است، اما در بسیاری موارد کشمکش های ذهنی- جسمانی نیز توأمان دیده می شود.

منابع و مأخذ

الف: کتب

- ##. آلوت میریام (1368) *رمان به روایت رمان نویسان*، چاپ اول، تهران، نشر مرکز
- ##. ابومحبوب، احمد (1380) *در های و هوی باد*، چاپ اول، تهران، نشر ثالث
- ##. احمدی بابک (1370) *ساختار و تأویل متن*، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ج 1
- ##. اخوت احمد (1371) *دستور زبان داستان*، اصفهان، فردا
- ##. اسکولز رابرت (1379) *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، چاپ اول، تهران، نشر آگه
- ##. ایگلتن تری (1368) *پیش درآمدی به نظریه ی ادبی*، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران
1. 7. بهار مهرداد (1384) *پژوهشی در اساطیر ایران*، تهران، نشر آگه
 2. 8. بیرل آن (1384) *اسطوره های چینی*، ترجمه عباس مخبر، تهران، نشر مرکز
 3. 9- تودورف تروتان (1382) *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، چاپ دوم، تهران، نشر آگه
 4. 10 ##. - (1385) *نظریه ادبیات (متن هایی از فرمالیست های روس)*، ترجمه عاطفه طاهایی،
- ##. چاپ اول، اختران
- ##. خانلری پرویز (1337) *وزن شعر*، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران
- ##. روزنبرگ دونا (1375) *اسطوره های خاور دور*، چاپ اول، تهران، ترانه

##. سلدن رامن (1372) راهنمای نظریه ی ادبی معاصر، ترجمه عباس مخبر، چاپ اول، تهران

##. شفیعی کدکنی محمدرضا (1370) صور خیال در شعر فارسی ، چاپ چهارم، تهران، آگاه

##. شفیعی کدکنی محمدرضا (1373) موسیقی شعر، چاپ چهارم، تهران، انتشارات آگاه

##. صفا ذبیح الله (1363) ، تاریخ ادبیات در ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی

##. فورستر ادوارد مورگان (1384)، جنبه های رمان، ترجمه ابراهیم یوسفی، چاپ پنجم، تهران، نگاه

##. میرصادقی جمال (1380) عناصر داستان، چاپ چهارم ، تهران، نشر سخن

ب: مقالات

1. ذوالفقاری حسن، نگاهی ساختاری به داستان موسی و شبان، فصلنامه پژوهش های ادبی، سال 14،
 2. ش 17، پاییز 1386
 3. رحیمی صغری، بررسی موسیقی دفتر زیور عجم، بزرگداشت اقبال، 1388
 4. رضا بیگی، مریم مطالعه تطبیقی اساطیر ملل مختلف، فصل نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی،
ص 155 - 172
 5. رمضان ماهی، یاسمن؛ بررسی اساطیر و افسانه های مشترک ایران و چین باستان، هنرنامه، شماره بیست و
ششم، ص 3- 26
 6. فروزنده مسعود، تحلیل ساختاری داستان ورقه و گلشاه عیوقی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه
خوارزمی، س 16، ش 60، بهار 1387
- مالیر تیمور، ژرف ساخت اسطوره ای رمان رود راوی، ادب پژوهی، ش 6، زمستان 1387